

معنای تفسیر و تأویل و استعاده، این است که آیه یا آیاتی از هر سوره را بترتیب، از فاتحه تا ناس، آورده و به صورت زیرنویس و لفظ به لفظ به فارسی استوار و پاکیزه‌ای ترجمه کرده است، آنگاه از ابتدا، پس از ذکر بخشهای کوتاهی از آیات، به تفسیر و شرح لغوی و صرفی و نحوی و فقهی و کلامی آن پرداخته و در هر مورد، اقوال و آرای مفسران و نحویان و لغویان و فقها و متکلمان را با استفاده از منابع متقدم ذکر کرده است. اشاره‌های تاریخی و قصص و حکایات و تمثیلات و مباحث فقهی نیز در کتاب آمده است. مباحث تکراری در آیات به موارد قبلی ارجاع شده است و خود مؤلف نیز به این نکته اشاره دارد (ص ۱۵۹). مباحث ذوقی و ادبی و عرفانی هم بیش و کم در خلال بخشهای تفسیری مطرح شده است.

زبان تفسیر، چه در بخشهای ترجمه و چه در بخشهای تفسیری، استوار و ادبی و در عین حال ساده است و جز در بخشهای اندکی از مقدمه و پاره‌ای مباحث ذوقی و عرفانی از شیوه نثر مرسل پیروی می‌کند. ترجمه آیات در نسخه‌های کهن یا نزدیک به زمان مؤلف، اصیل و حاوی مفردات و تعبیرات کهن و لهجه‌ای است و از جهات متعدد زبانی با زیرنویس آیات در ترجمه تفسیر طبری^۵ قابل مقایسه است (ص ۳۰۳-۳۱۱). اما این ترجمه‌ها در نسخه‌های متأخر، بویژه از سده‌های نهم و دهم به بعد، دستخوش تغییر و تحریف شده و به نثر و زبان روزگار کاتبان نزدیک گردیده است. جنبه‌های ادبی و زبانی تفسیر ابوالفتوح از جهات متعدد سزاوار توجه است (ص ۱۰۰-۱۲۵). برخی مختصات زبانی و گویشی کم‌نظیر و مشخص که احتمالاً متعلق به گویش قدیم ری باشد، در کتاب دیده می‌شود که از نظر زبان‌شناسی اهمیت دارد (یاحقی ۱۳۶۳، ش ۹، ص ۲۵۹؛ ساغروانیان، ص ۸۲-۹۰).

تفسیر روض الجنان نزدیک به دو سده سال تفسیرنویسی فارسی و نزدیک به پانصد سال تفسیرنویسی عربی را پشت سر دارد، بنابراین طبیعی است که از منابع تفسیر پیش از خود سود برده باشد؛ با این حال، کوچکترین نشانه‌ای حاکی از استفاده او از تفاسیر فارسی پیش از خود از قبیل ترجمه تفسیر طبری، تاج التراجم، سورآبادی، قرآن پاک، تفسیر قرآن مجید معروف به تفسیر کیمبرج، در دست نیست. شاید او با وجود میراث تفاسیر عربی خود را از رجوع به تفسیرهای فارسی بی‌نیاز می‌دیده است. ابوالفتوح رازی از تفاسیر فارسی و عربی زمان خود نامی نبرده است؛ فقط چندین بار از زمخشری مؤلف الکشاف عن حقائق التنزیل با احترام یاد کرده و اشعاری از او نقل کرده اما از کشاف نامی نبرده است. نشانه‌هایی چون تصریح به نام و نقل آشکار مطالب، استفاده ابوالفتوح رازی از اهم تفسیرهای عربی پیشین اعم از شیعه و سنی را اثبات می‌کند. او در تفسیر خود از بسیاری

محمدحسین ذهبی، التفسیر والمفسرون، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷؛ محمد رشیدرضا، تفسیر القرآن الحکیم المشتهر باسم تفسیر المنار، [تقریرات درس] شیخ محمد عبده، ج ۱، مصر ۱۳۷۳/۱۹۵۴؛ عبدالرزاق کاشی، تفسیر القرآن الکریم (معروف به تفسیر ابن عربی)، چاپ مصطفی غالب، بیروت ۱۹۷۸، چاپ افست تهران [بی‌تا]؛ عبدالله فاطمی‌نیا، «تفسیر منسوب به ابن عربی»، گلچرخ، سال ۱، ش ۱ (فروردین ۱۳۷۱)؛ داوودبن محمود قیصری، مطلع خصوص الکلم فی معانی فصوص الحکم، چاپ محمدحسن ساعدی، [قم] ۱۴۱۶؛ محمدهادی معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیش، مشهد ۱۴۱۸-۱۴۱۹؛ محمدبن مظفرالدین محمد مکی، الجانب الغربی فی حل مشکلات الشیخ محی‌الدین ابن عربی، چاپ نجیب مایل هروی، تهران ۱۳۶۴ ش.

/ مسعود رهنما /

تفسیر ابوالفتوح رازی، کهنترین و مشروحترین تفسیر شیعی، به فارسی. مؤلف آن، ابوالفتوح رازی، از متکلمان امامیه در سده ششم است که اجدادش از نیشابور ببری کوچیده و در آن شهر ساکن شده بودند. او این تفسیر را در سالهای ۵۱۰ تا ۵۳۳ یا اندکی پس از آن نوشته که چون سال وفاتش، بنا بر تحقیق مصححان چاپ اخیر کتاب، ۵۵۴ بوده نگارش این اثر در میانسالی او بوده است (ابوالفتوح رازی، ج ۱، مقدمه یاحقی و ناصح، ص پنجاه و نه، شصت و دو). در متن کتاب به نام تفسیر اشاره‌ای نشده است، اما بنا بر اجماع دست‌نویسها و منابع هم‌روزگار مؤلف، از جمله فهرست منتخب‌الدین رازی (ص ۴۵) که شاگرد شیخ بوده، همه‌جا نام کتاب رَوْضُ الْجَنَان و رَوْحُ الْجَنَان آمده است. تنها در معالم‌العلمای ابن‌شهر آشوب (ص ۱۴۱) «رَوْحُ الْجَنَان و رَوْحُ الْجَنَان» ثبت شده که قطعاً کلمه «روح» در آغاز آن محوَرَف «روض» است، چرا که خود ابن‌شهر آشوب در کتاب دیگرش، مناقب (ج ۱، ص ۱۲)، گفته است: «ابوالفتوح روایت رَوْضُ الْجَنَان و رَوْحُ الْجَنَان فی تفسیر القرآن را به من اجازه داده است». نام محوَرَف «روح‌الجنان و روح‌الجنان» به یکی از چاپهای کتاب یعنی طبع میرزا ابوالحسن شعرانی نیز راه یافته است. در ایران و بویژه در زبان و قلم عموم این کتاب به نام کلی آن، تفسیر ابوالفتوح رازی، شهرت یافته است.

شیوه تنظیم تفسیر ابوالفتوح رازی اصولاً کلامی - روایی است، اما از آنجا که بر جنبه‌های ادبی و واژه‌های قرآنی مانند مباحث لغوی و زبانی و استشهاد به اشعار عربی برای روشن شدن معانی کلمات و جنبه‌های صرف و نحوی نیز تأکید دارد، خصوصیت ادبی را هم می‌توان بر آن افزود. روش کار مؤلف، پس از ذکر مقدمه‌ای کوتاه در معانی و اقسام قرآن و بحثی در

تفسیر ابوالفتوح رازی

مفسران پیشین، از قبیل امام حسن عسکری علیه السلام، ابوالقاسم کعبی، ابومسلم محمد بن بحرافهانی، ابوعلی جبایی و پسرش ابوهاشم جبایی، ابوبکر اصم، ابوالحسن رُمّانی، زجاج، حسین بن فضل بجلی، ابواسحاق ثعلبی، قتال نیشابوری و بویژه محمد بن جریر طبری، نام برده و از تفسیرهای آنان و به طور خاص از تفسیر طبری^۵ استفاده کرده است (ابوالفتوح رازی، جاهای متعدد؛ یا حقی، ۱۳۶۹ ش، ص ۳۲۷-۳۲۲).

ابوالفتوح هنگام بحث فقهی و کلامی در آیات، اقوال مفسران اهل سنت را تقریباً با بی طرفی کامل ذکر کرده و نظر خود را بر مبنای فقه و کلام شیعه، تحت عنوان «مذهب ما»، بیان داشته است. تفسیر ابوالفتوح در میان امتهات تفاسیر شیعی پیشین، حتی در مباحث لغوی و معانی واژه های قرآنی و استشهاد به اشعار عربی، با التبیان فی تفسیر القرآن^۶ شیخ طوسی و مجمع البیان فی تفسیر القرآن^۷ طبرسی قابل مقایسه است و از این نظر ظاهراً بر دو تفسیر دیگر رجحان دارد (خزاعی، ص ۲۰۵-۲۱۶). ابوالفتوح ظاهراً از التبیان به طور مستقیم استفاده کرده اما به سبب قرب زمان تألیف از وجود مجمع البیان بی خبر بوده است و مشابهت این دو می تواند از اشتراک منابع و نزدیکی مشرب فقهی و کلامی دو مؤلف ناشی شده باشد. استفاده وسیع ابوالفتوح از منابع فقهی و کلامی فرق مختلف و مباحث تاریخی و قصص و حتی اسرائیلیات، اهمیت آن را از این جهات نیز در میان آثار همگن سزاوار تحقیق کرده است (برای نمونه - عسکر حقوقی، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، ۱۳۴۶ ش، ج ۳).

تفسیر ابوالفتوح رازی بر تفسیرهای عربی و فارسی بعد از خود اثر نهاده است. قاضی نورالله شوشتری (ج ۱، ص ۴۹۰) ضمن ستایش از این تفسیر، اظهار نظر کرده که فخرالدین رازی اساس تفسیر کبیر^۸ خود را از این کتاب گرفته و برای دفع احتمال، بعضی از تشکیکات خود را بر آن افزوده است. از میان تفسیرهای فارسی که از ابوالفتوح متأثر بوده و بوضوح و گاه به عین عبارت از آن نقل قول کرده اند، می توان به دو تفسیر پر آوازه شیعه، جلاء الاذهان و جلاء الاحزان معروف به تفسیر گازر^۹ تألیف ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی و منهج الصادقین ملافتح الله کاشانی اشاره کرد. متن این دو کتاب، بویژه تفسیر گازر، با روض الجنان اغلب یکسان و سزاوار سنجشهای دقیق است (جرجانی، ج ۱، مقدمه حسینی ارموی، ص ی - یا، لز - لح).

تفسیر ابوالفتوح تقریباً از زمان حیات مؤلف مورد توجه بوده و مرتب استنساخ و رونویسی شده است. تاکنون ۵۳ نسخه ناقص و کامل از این تفسیر در کتابخانه های ایران و دیگر کشورها شناسایی شده (ابوالفتوح رازی، ج ۱، مقدمه یا حقی و ناصح،

ص هفتاد و شش - هشتاد و یک) که کهنترین آنها دست نویس شماره ۱۳۳۶ آستان قدس رضوی مورخ ربیع الاول ۵۵۶ است که تنها مجلدات ۱۶ و ۱۷ تفسیر را شامل می شود. نسخه ای از این کتاب متعلق به کتابخانه شخصی جلال الدین محدث ارموی، مورخ دوم صفر ۵۷۹، صریحاً نشان می دهد که از روی نسخه ای به تاریخ ۵۳۳ کتابت شده است (برای آگاهی بیشتر - بینش، ص ۴۴-۵۱؛ یا حقی، ۱۳۶۲ ش، ص ۱۶۰-۱۸۸). از میان ۵۳ دست نویس شناخته شده این اثر، تنها چهار نسخه است که دو دوره کامل تفسیر (هر دوره در دو نسخه) را تشکیل می دهد و مابقی تنها بخشی از این تفسیر است. تفسیر روض الجنان بر اساس تقسیم بندی خود مؤلف و تصریح برخی از هم روزگاران او مانند متجب الدین رازی (همانجا) و عبد الجلیل قزوینی (ص ۲۱۲) و اتفاق همه دست نویسها بیست جلد بوده که فراهم آورندگان سه چاپ اول کتاب تقسیم بندی را مراعات نکرده اند.

تفسیر ابوالفتوح را نخستین بار تنی چند از فضلا، از جمله ملک الشعرا صبوری، در ۱۳۰۷ و ۱۳۰۹ در پنج مجلد آماده چاپ کردند که دو مجلد آن در ۱۳۲۳ به فرمان مظفرالدین شاه و سه جلد باقی مانده در ۱۳۱۳-۱۳۱۵ ش به دستور علی اصغر حکمت، وزیر معارف وقت، به چاپ رسید (همین چاپ، که در پایان مجلد پنجم حاوی مؤخره ای به قلم محمد قزوینی درباره مؤلف و تفسیر اوست، در ۱۴۰۴ در قم به صورت افست منتشر شده است). چاپ دیگری از این کتاب در ده جلد در ۱۳۲۰ ش با تصحیح و حواشی مهدی الهی قمشه ای منتشر شد. چاپ سوم این کتاب در ۱۳۸۲ با تصحیح و حواشی میرزا ابوالحسن شعرانی در سیزده مجلد با نام روح الجنان و روح الجنان سامان یافت که بارها به طریق افست تجدید طبع شده است. آخرین چاپ آن در بیست جلد با تصحیح و مقابله با ۳۸ نسخه کهن و ذکر نسخه بدلهای و با مقدمه ای مبسوط به کوشش و تصحیح محمدجعفر یا حقی و محمد مهدی ناصح در سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۶ ش، از سوی بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی منتشر شده است.

منابع: ابن شهر آشوب، معالم العلماء، نجف ۱۳۸۰/۱۹۶۱؛ همو، مناقب آل ابی طالب، چاپ هاشم رسولی محلاتی، قم [بی تا]؛ ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، چاپ محمدجعفر یا حقی و محمد مهدی ناصح، مشهد ۱۳۷۶-۱۳۶۵ ش؛ تنی بینش، «فائش کتابخانه آستان قدس رضوی: دوتکه از تفسیر ابوالفتوح رازی»، نامه آستان قدس، ش ۵ (اردیبهشت ۱۳۴۰)؛ حسین بن حسن جرجانی، تفسیر گازر، چاپ جلال الدین حسینی ارموی، تهران ۱۳۲۷-۱۳۴۱ ش؛ عسکر حقوقی، «ارزش ادبی تفسیر ابوالفتوح»، در مجموعه خطابه های نخستین کنگره تحقیقات ایرانی، به کوشش غلامرضا ستوده، تهران ۱۳۵۳ ش؛ محمدحسن خزاعی، «دقت ابوالفتوح رازی در

تألیف سید عبداللہ شُبَّار* و تفسیر فرید وجدی* مقایسه کرد. در تفسیر الجلالین پس از ذکر هر کلمه، عبارت، جمله یا آیه‌ای از قرآن، توضیحی کوتاه در معنای لغوی آن، اختلاف قرائت، ترکیب نحوی، بیان مبهمات و شأن نزول و معنای کلی آیه آمده است (در باره اهمیت نحو و اختلاف قرائات در این تفسیر - به بویسین^۱، ص ۳۳-۴۴). بلندترین و مفصلترین توضیحات در باره شأن نزول برخی آیات است (برای نمونه - ج ۱، ص ۲۸، ۱۰۰، ۱۵۱-۱۵۲، ج ۲، ص ۸۵، ۱۱۱، ۱۱۴، ۲۲۸-۲۲۹). این توضیحات بندرت به مباحث فقهی و گاه کلامی بر می‌گردد که در این موارد، هر دو مفسر، رأی فقهی شافعی و دیدگاه کلامی اشاعره را منعکس می‌کنند (برای نمونه - ج ۱، ص ۲۹-۳۰، ص ۹۷-۹۸، ۱۴۳، ج ۲، ص ۱۷۳). در اینگونه موارد، نقل برخی اسرائیلیات و قصه‌های باورنکردنی متداول است (برای نمونه - توصیف آبادانی و نعمت قوم سبأ در ج ۲، ص ۱۱۶؛ کیفیت هلاکت اصحاب فیل در ج ۲، ص ۲۷۴؛ داستانهای از حضرت داوود و سلیمان علیهما السلام در ج ۲، ص ۱۳۸-۱۳۹). اما ذکر نکردن برخی شأن نزولهای معروف جای شگفتی دارد؛ مثلاً سیوطی در این تفسیر با آنکه دائماً به تعیین مبهمات و شأن نزولهای غیرمشهور اشاره کرده، در تفسیر آیه إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (مائده: ۶۹) «راکعون» را صرفاً به معنای خاشعان یا به جای آورندگان نماز مستحب دانسته است (محلّی و سیوطی، ج ۱، ص ۱۰۵؛ قس سیوطی، ص ۱۰۷، که با نقل روایات مختلف گفته است که این آیه در شأن علی علیه السلام نازل شده است؛ برای بررسی جامعی از روایات سیوطی در تفسیر الجلالین - عتر، ص ۲۸۷-۳۰۴). سیوطی در کار تکمیل این تفسیر، که فقط چهل روز به طول انجامیده است، عیناً به سبک محلّی به تفسیر پرداخته و حتی در تفسیر آیات متشابه از گفته‌های محلّی بهره برده است؛ مثلاً هر دو مفسر در بیان معنای حروف مقطعه می‌گویند که خداوند به مراد خود داناتر است (برای نمونه‌ای دیگر - تفسیر سیوطی بر داستان عذاب قوم نوح در آیات ۳۷ و ۴۰ سورة هود و تفسیر محلّی بر همان داستان در مؤمنون: ۲۷). با اینهمه، سیوطی نوشته محلّی را برتر از نوشته خود می‌داند و اذعان می‌کند که جز در مواردی معدود (کمتر از ده مورد) با رأی وی مخالفت نکرده است (ج ۱، ص ۲۳۹-۲۴۰). یک نمونه آن، تفسیر محلّی بر آیه تَفَخُّتْ فِيهِ مِنْ رُوحِي (ص: ۷۲) است که وی می‌گوید روح جسمی لطیف است که با نفوذ در آدمی سبب حیات می‌شود (ج ۲، ص ۱۴۱). سیوطی در تفسیر همین عبارت در آیه

معانی واژه‌ها و مقایسه آنها با تبیان شیخ طوسی و مجمع البیان طبرسی (ره)، مشکوة، ش ۴۸ (پاییز ۱۳۷۴)؛ جلیل ساغروانیان، «مستور یاش: تفسیر ساختی ویژه در روض الجنان و روح الجنان»، مشکوة، ش ۲۷ (تابستان ۱۳۶۹)؛ نورالله بن شریف‌الدین شوشتری، مجالس المؤمنین، تهران ۱۳۵۴ ش؛ عبدالجلیل قزوینی، نقض، چاپ جلال‌الدین محدث ارموی، تهران ۱۳۵۸ ش؛ علی بن عیدالله منتجب‌الدین رازی، فهرست اسماء علماء الشيعة و مصنفیهم، چاپ عبدالعزیز طباطبائی، بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶؛ محمدمهدی ناصح، «ترجمه آیات تفسیر طبری و ابوالفتح رازی، در یادنامه طبری، ویرایش محمد قاسم‌زاده، تهران ۱۳۶۹ ش؛ محمدجعفر یاحقی، «اصلی در تصحیح انتقادی تفسیر ابوالفتح رازی»، مشکوة، ش ۶ (زمستان ۱۳۶۳)؛ همو، «دستنویسی نفیس از تفسیر ابوالفتح رازی»، مشکوة، ش ۶ (زمستان ۱۳۶۳)؛ همو، «دستنویسی نفیس از تفسیر ابوالفتح رازی»، مشکوة، ش ۳ (تابستان ۱۳۶۲)؛ همو، «طبری و ابوالفتح»، در یادنامه طبری، ویرایش محمد قاسم‌زاده، تهران ۱۳۶۹ ش.

/ محمدجعفر یاحقی /

تفسیر ابی الجارود - تفسیر علی بن ابراهیم

تفسیر الجلالین، تفسیری موجز بر قرآن کریم تألیف جلال‌الدین محلّی* و جلال‌الدین سیوطی*. جلال‌الدین محلّی (برای شرح حال وی - ابن عماد، ج ۷، ص ۳۰۳-۳۰۴) نخست بخش دوم این تفسیر را، از سورة کهف تا آخر سورة ناس، تألیف کرد، سپس به تفسیر بخش نخست پرداخت. به سبب فوت وی در ۸۴۴، این کار پس از تفسیر سورة حمد ناتمام ماند تا آنکه در ۸۷۰ جلال‌الدین سیوطی بخش ناتمام تفسیر (از ابتدای سورة بقره تا انتهای سورة اسراء) را نوشت و تفسیر سورة فاتحه، نگاشته محلّی، را در انتهای همه سوره‌ها قرار داد (محلّی و سیوطی، ج ۱، ص ۲، ۲۳۹؛ جمل، ج ۱، ص ۷). حاجی خلیفه (ج ۱، ستون ۴۴۵) به اشتباه، تدوین هریک از این دو بخش تفسیر را به مؤلف بخش دیگر نسبت داده (قس ذهبی، ج ۱، ص ۳۳۴-۳۳۶) و بروکلیمان (د.اسلام، چاپ اول، ذیل «سیوطی») نیز به اشتباه تفسیر الجلالین را نام دیگری برای لباب النقول فی اسباب النزول پنداشته و گفته است که سیوطی و محلّی مشترکاً کتاب لباب را تألیف کرده‌اند.

مؤلفان این تفسیر، بدون تطویل در بیان وجوه صرف و نحو و قرائت و مانند آنها، بیشتر کوشیده‌اند که با تکیه بر روایات مأثور و سنت تفسیری گذشته، ترجمه‌ای مفهومی از آیات قرآن به شیوه مزجی ارائه دهند. ایجاز و سبک این تفسیر را می‌توان با تفاسیر موجز متأخری چون الجوهر الثمین فی تفسیر القرآن المبین